درس ۷: جمال و کمال

از کتاب «تفسیر سورهٔ یوسف﵇» نوشتهٔ «احمدبن محمّدبن زید طوسی»

سؤال: «تفسیر سورهٔ یوسف﵇» اثر چه کسی است؟ *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

پاسخ: احمدبن محمدبن زید طوسی

ماجرای این درس ...

قرآن کتاب خداست و پُر از عبرت‌ها و داستان‌های جذّاب. ماجرای این درس آشنایی با بعضی ویژگی‌های قرآن و یکی از زیباترین داستان‌های این کتاب آسمانیه؛ داستان «حضرت یوسف﵇»!

بدان که قرآن مانند اســت به بهشــت جاودان؛ در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است.

معنی [این مطلب را] بدان که قرآن مثلِ بهشتِ جاودان است. در بهشت هزار نوع نعمت وجود دارد و در قرآن هزار نوع پند و حکمت. **مفهوم** شباهت میان قرآن و بهشت **آرایه** «قرآن مانند است به بهشت جاودان»: تشبیه (قرآن: مشبّه؛ مانند: ادات تشبیه؛ بهشت جاودان: مشبّهٌبه؛ پر از بهره و منفعت‌بودن: وجه‌شبه)/ نعمت و حکمت: سجع **دستور** جاوِدان، جاوْدان: واژهٔ دوتلفّظی

سؤال: در عبارت زیر کدام آرایه دیده می‌شود؟ *(نهایی خرداد ۱۴۰۲)*

در بهشت از هزارگونه نعمت است و در قرآن از هزارگونه پند و حکمت است.

۱) تضمین ۲) حسن تعلیل ۳) حس‌آمیزی ۴) سجع

پاسخ: گزینهٔ «۴»؛ نعمت و حکمت: سجع

و مَثَلِ قرآن مَثَلِ آب است روان؛ در آب، حیات تن‌ها بُوَد و در قرآن حیات دل‌ها بُوَد. حیات: زندگی

معنی و قرآن مانند آب روان است؛ آب موجب زندگی جسم است و قرآن، عامل زندگی دل. **مفهوم** قرآن زنده‌کنندهٔ دل‌هاست.

نکته: از آنجا که قرآن موجب زنده‌شدن دل‌ها و پاک‌شدن از پلیدی‌هاست، نویسنده معتقد است که «مَثَل قرآن، مَثَل آب روان است».

آرایه «مَثَلِ قرآن، مَثَلِ آب است روان»: تشبیه (قرآن: مشبّه؛ مَثَل: ادات تشبیه؛ آب روان: مشبّهٌبه؛ حیات‌بخش بودن: وجه شبه)/ تن‌ها و دل‌ها: سجع **دستور** «روان» صفت «آب» است که جابه‌جا شده است./ «بُوَد» در معنای «وجود دارد» است و فعل غیراسنادی است.

سؤال: به چه دلیل نویسنده معتقد است که «مَثَل قرآن، مَثَل آب روان است؟» *(نهایی خرداد ۱۴۰۲)*

پاسخ: زیرا قرآن موجب زنده‌شدن دل‌ها و پاک‌شدن از پلیدی‌هاست.

سؤال: در متن زیر سجع‌ها را بیابید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است...؛ در آب، حیات تن‌ها بُوَد و در قرآن حیات دل‌ها بُوَد.

پاسخ: «نعمت و حکمت»، «تن‌ها و دل‌ها»: سجع

در قرآن، قصّه‌ها بسیار است و لکن قصّهٔ یوسف﵇ نیکوترین قصّه‌هاست.

معنی در قرآن قصّه زیاد است؛ امّا بهترین قصّه، داستان یوسف﵇ است. **مفهوم** قصّهٔ یوسف﵇ بهترین قصّه است.

فُرقت: جدایی، دوری
وصلت: پیوند، پیوستگی
محنت: اندوه، ناراحتی
جفا: بی‌وفایی، ستم

این قصّه، عجب‌ترین قصّه‌هاست، زیرا که در میان دو ضدّ جمع بُوَد: هم فُرقت بُوَد و هم وُصلت؛ هم محنت بُوَد، هم شادی؛ هم راحت بُوَد هم آفت؛ هم وفا بُوَد هم جفا.

معنی این داستان، شگفت‌آورترین داستان است، زیرا دو چیز ضدّ هم را، کنار هم گِرد آورده: هم جدایی است هم رسیدن [به محبوب]، هم رنج است هم شادی، هم آسایش است هم سختی، هم وفاداری است هم بی‌وفایی و ستم. **مفهوم** قصّهٔ یوسف﵇ عجیب‌ترین قصّه است. **آرایه** «فُرقت و وُصلت»، «محنت و شادی»، «راحت و آفت»، «وفا و جفا»: تضاد/ «فُرقت و وُصلت»، «محنت و شادی»، «راحت و آفت» و «وفا و جفا»: سجع **دستور** فعل «بُوَد» بعد از «وُصلت، شادی، آفت و جفا» به قرینهٔ لفظی حذف شده است. فعل «بوَد» در این عبارت، به معنیِ «است» آمده و فعل اِسنادی است.

Scanned with CamScanner

سؤال: نقش دستوری گروه‌کلمات مشخّص‌شده را بنویسید. «این قصّه، عجب‌ترین قصّه‌ها است.» (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: این قصّه: نهاد/ عجب‌ترین قصّه‌ها: مسند

سؤال: معنای واژهٔ مشخّص‌شده را بنویسید. «در این قصّه هم وفا بُوَد هم جفا.»

پاسخ: جفا: بی‌وفایی، ستم

در بدایتْ بنـد و چاه بُوَد، در نهایتْ تخت و گاه بُوَد؛ پس چون در او این چندین اندوه و طَرَب بُوَد، در نهاد خود شگفت و عَجَب بُوَد.

بدایت: آغاز، ابتدا/ گاه: تخت شاهی/ بیم: ترس/ طرب: شادی

معنی در آغاز اسارت و در چاه افتادن است و در پایان به تخت شاهی رسیدن. پس چون در این داستان، این‌گونه غم و شادی‌ها وجود دارد، اساساً شگفت‌آور و عجیب است. **مفهوم** تبدیل‌شدن سختی و گرفتاری به راحتی و بهره‌مندی **آرایه** «بدایت و نهایت»، «بند و تخت»، «چاه و گاه»، «اندوه و طرب»: تضاد/ «چاه و گاه»، «طَرَب و عَجَب»: سجع/ «بند و چاه»، «تخت و گاه»: تناسب

سؤال: معنای واژهٔ مشخّص‌شده را بنویسید. «در او این چندین اندوه و طَرَب بُوَد.» (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: طرب: شادی

سؤال: معنی واژهٔ مشخّص‌شده را بنویسید. «در بدایت بند و چاه بُوَد، در نهایت تخت و گاه بُوَد.» (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: بدایت: آغاز، ابتدا

گفته‌اند «نیکوترین»، از بهر آن بُوَد که یوسف صدّیق، وفادار بُوَد و یعقوب خودْ او را به صبر آموزگار بُوَد و زلیخا در عشق و درد او بی‌قرار بُوَد، و اندوه و شادی در این قصّه بسیار بُوَد، و خبردهنده از او مَلِک جبّار بُوَد.

بهر: برای/ صدّیق: بسیار راستگو/ مَلِک: پادشاه. اینجا منظور خداوند است./ جبّار: مسلّط. یکی از صفات خداوند تعالی است.

معنی گفته‌اند: «نیکوترین»، به این دلیل است که [در این قصّه] یوسفِ راستگو وفادار است و یعقوب﵇ خودش به او درس صبر می‌دهد و زلیخا در عشق و درد او بی‌تاب است و اندوه و شادی در این قصّه بسیار است و کسی که این قصّه را گفته، خداوندِ صاحب‌اختیار و مسلّط است. **آرایه** وفادار، آموزگار، بی‌قرار، بسیار و جبّار: سجع/ «یوسف و یعقوب»؛ «یوسف و زلیخا»: تناسب (مراعات‌نظیر)/ اندوه و شادی: تضاد **دستور** «را» در «یعقوب او را آموزگار بود» بین مضاف (آموزگار) و مضاف‌الیه (او) آمده و از نوع «فکّ اضافه» است (یعقوب آموزگارِ او بود)./ آموزگار و آموزگار: واژهٔ دوتلفّظی

نکته: عبارت «یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود» و حدیث «الصَّبرُ مفتاحُ الفَرَج» (صبر، کلید گشایش [کارها] است) به ارزش صبر اشاره دارند و بیان می‌کنند که سرانجام صبر، شادی و پایان‌یافتن رنج‌هاست.

سؤال: دربارهٔ ارتباط مفهومی دو عبارت زیر توضیح دهید. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

الصّبرُ مفتاحُ الفَرَج ◀ یعقوب خود، او را به صبر، آموزگار بود.

پاسخ: سرانجام صبر، شادی و پایان‌یافتن رنج‌هاست.

قصّهٔ حال یوسف﵇ را نیکو نه از حُسنِ صورت او گفت، بلکه از حُسن سیرت او گفت؛ زیرا که نیکوخو، بهتر هزار بار از نیکورو.

حُسن: زیبایی، نیکویی
صورت: چهره، ظاهر
سیرت: باطن

معنی داستان یوسف﵇ را نه به خاطر زیبایی چهره و ظاهر او نیکو نامید؛ بلکه به علّت زیبایی باطن او این‌گونه نام نهاد، چون کسی که باطن و سرشتی نیک دارد هزار مرتبه بهتر از کسی است که روی زیبا دارد. **مفهوم** برتری رفتار نیکو بر ظاهر نیکو **آرایه** «صورت و سیرت»؛ «نیکوخو و نیکورو»: تضاد[1]/ نیکوخو و نیکورو: جناس ناهمسان/هزار بار: کنایه از بسیار زیاد **دستور** فعل «است» به قرینهٔ معنایی از پایان جمله حذف شده است: نیکوخو، بهتر هزار بار از نیکورو [است].

نکته: عبارت «نیکوخو بهتر هزار بار از نیکورو» با این بیت سعدی مفهوم مشترک دارد:

صـــورت زیـــبای ظاهر هیچ نیست ای بـــــرادر ســـیـــرت زیـــبـــا بـــیـــار

معنی صورت زیبای ظاهر ارزشی ندارد؛ ای برادر، سیرت زیبای خود را نشان بده. **مفهوم** برتری رفتار نیکو بر ظاهر نیکو **آرایه** صورت و سیرت: تضاد/ زیبا: تکرار **دستور** **نگاهی به آینده** ای برادر: «ای» حرف ندا و «برادر» منادا است.

سؤال: نوع حذف را در عبارت روبه‌رو مشخّص کنید. «نیکوخو بهتر هزار بار از نیکورو.» (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: فعل «است» به قرینهٔ معنایی حذف شده است (*نیکوخو بهتر هزار بار از نیکورو [است]*).

سؤال: مفهوم نهایی بیت زیر چیست؟ (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

صـــورت زیـــبـای ظـاهـر هـیـچ نیست ای بـــــرادر ســـیـــرت زیـــبـــا بـــیـــار

پاسخ: برتری رفتار نیکو بر ظاهر نیکو

---

۱. اگر بپذیریم که جناس آرایه‌ای لفظی است که در آن موسیقی کلمات و حروف مهم است نه املای آن، بنابراین می‌توان «سیرت» و «صورت» را جناس ناهمسان دانست.

Scanned with CamScanner

نبینی که یوسف را از روی نیکو، بند و زندان آمد و از خوی نیکو، امر و فرمان آمد؟ از روی نیکوش حبس و چاه آمد و از خوی نیکوش تخت و گاه آمد.

امر و فرمان: حکم و امضای پادشاهی (از سوی خداوند)

معنی نمی‌بینی که روی زیبا، یوسف﵇ را به اسارت و زندان افکند و باطن زیبا او را به شاهی رساند؟ از زیبایی ظاهر برایش زندان و در چاه افتادن حاصل شد و از سرشت پاکش پادشاهی به دست آمد. **مفهوم** برتری رفتار نیکو بر ظاهر نیکو **آرایه** «بند و زندان ≠ امر و فرمان»، «حبس و چاه ≠ تخت و گاه»: تضاد / «زندان و فرمان»، «چاه و گاه»: سجع / «روی و خوی»، «چاه و گاه»: جناس ناهمسان

نکته: «چاه» و «گاه» هم سجع دارند هم جناس؛ پس باید بدانید که اشکالی ندارد دو آرایه در یک جا جمع شوند.

دستور نبینی: مضارع اخباری (نمی‌بینی) / ضمیر «ش» در نیکوش: متمم (از روی نیکو برای او حبس و چاه آمد، ... برای او تخت و گاه آمد.)

پادشاه عالَم، خبر که داد در این قصّه، از حُسن سیرت او داد، نه از حُسن صورت او داد، تا اگر نتوانی که صورت خود را چون صورت او گردانی؛ باری، بتوانی که سیرت خود را چون سیرت او گردانی.

باری: دست کم، حداقل

معنی خداوند در این داستان از باطن زیبا و پاک یوسف﵇ خبر داد نه از چهره و ظاهر زیبایش، تا اگر نمی‌توانی ظاهرت را مانند او کنی، دست کم بتوانی باطنت را مانند باطن او کنی. **مفهوم** برتری سیرت بر صورت **آرایه** پادشاه عالَم: کنایه از خداوند متعال / سیرت و صورت: سجع

سؤال: املای صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پادشاه عالم، خبر که داد در این قصّه، از حُسن (صیرت/ سیرت) او داد.

پاسخ: «سیرت» صحیح است.

آن‌که گفتیم سیرتش نیکوترین سیرت‌ها بود، از بهر آنکه در مقابلهٔ جفا، وفا کرد و در مقابلهٔ زشتی، آشتی کرد و در مقابلهٔ لئیمی، کریمی کرد.

لئیمی: پستی، فرومایگی
کریمی: بزرگواری

معنی آن‌که گفتیم باطنش زیباترین باطن بود، به این علّت بود که در برابر ستم، وفا کرد و در برابر رفتار زشت، آشتی و دوستی نشان داد و در برابر پستی، بزرگواری کرد. **مفهوم** رفتار بد دیگران را با خوبی پاسخ‌دادن **آرایه** جفا و وفا: تضاد و جناس ناهمسان / لئیمی و کریمی: تضاد

سؤال: معنی واژهٔ مشخّص‌شده را بنویسید. «در مقابلهٔ لئیمی، کریمی کرد.» (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: لئیمی: پستی، فرومایگی

برادران یوسف، چون او را زیادت نعمت دیدند و یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند، آهنگ کَید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالَم از آثار وجود او پاک کنند.

عنایت: توجّه داشتن
آهنگ: میل، عزم؛ آهنگ کردن: تصمیم گرفتن
کَید: حیله و فریب
عداوت: دشمنی

معنی برادران یوسف﵇ وقتی که نعمت فراوان او را دیدند و میل و توجّه یعقوب﵇ را به او مشاهده کردند، تصمیم به مکر و حیله و دشمنی گرفتند تا او را بکشند و او را از عالَم نیست و نابود کنند. **مفهوم** حسادت و دشمنی برادران یوسف﵇ نسبت به او **آرایه** نعمت و عنایت: سجع / هلاک و پاک: سجع **دستور** «را» در «او را زیادت نعمت دیدند» و «یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند» بین مضاف و مضافٌ‌الیه آمده، از نوع فکّ اضافه است (زیادت نعمت او را دیدند، میل و عنایت یعقوب را به او دیدند).

سؤال: در عبارت زیر کدام کلمات آرایهٔ سجع ساخته‌اند؟ (نوبهار خرداد ۱۴۰۲)

آهنگ کید و مکر کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.

پاسخ: هلاک و پاک (چون در پایان دو جمله و پیش از فعل همسان (کنند) آمده‌اند.)

سؤال: معنای واژهٔ مشخّص‌شده را بنویسید. «آهنگ کید و مکر و عداوت کردند.» (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: آهنگ: میل، عزم

سؤال: عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

چون او را زیادت نعمت دیدند و یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند، آهنگ کید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند.

پاسخ: وقتی نعمت فراوان او را دیدند و میل و توجّه یعقوب﵇ را به او مشاهده کردند، تصمیم به مکر و حیله و دشمنی گرفتند تا او را بکشند.

تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد. مَلِک تعالی او را دولت بر دولت زیادت کرد و مملکت و نبوّت زیادت بر زیادت کرد، تا عالمیان بدانند که هرگز کَید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید!

تدبیر: چاره‌اندیشی / تقدیر: فرمان خدا، مشیّت و خواست الهی
ملک‌تعالی: خداوند والامرتبه
دولت: ثروت، سعادت، جاه و مقام / مملکت: پادشاهی و عظمت
کایدان: جمع کاید، حیله‌گران

معنی چاره‌اندیشی برادران برخلاف خواست و مشیّت الهی بود. خداوند بلندمرتبه ثروت و سعادت او را بسیار بالا برد و به سلطنت و پیامبری او بسیار افزود، تا اهل عالم بدانند که هرگز حیله‌گران با اراده و خواست خداوند غیب‌دان نمی‌توانند مقابله کنند.

Scanned with CamScanner

مفهوم برتری تقدیر خداوند بر همهٔ تدبیرها **آرایه** «هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید»: تلمیح به آیهٔ شریفهٔ ﴿وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللهُ و اللهُ خَیرُ الماکِرین﴾: و آنها مکر کردند و خداوند پاسخ مکرشان را داد و خداوند بهترین پاسخ‌دهندهٔ مکر است. (آل عمران / ۵۴) / «کید، مکر و عداوت»: مراعات‌نظیر **دستور** آمد: شد (فعل اسنادی) / نیاید: نمی‌شود (فعل اسنادی)

سؤال: عبارت روبه‌رو را به نثر روان معنی کنید. «تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد.» *(نهایی خرداد ۱۴۰۲)*

پاسخ: چاره‌اندیشی برادران برخلاف خواست و مشیّت الهی بود.

سؤال: عبارت «هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان، برابر نیاید» با کدام آیهٔ شریفه تناسب دارد؟

۱) ﴿لا تُدرِکُهُ الأبصار و هُوَ یُدرِکُ الأبصار﴾ ۲) ﴿و مَکَروا و مَکَرَ اللهُ و اللهُ خیرُ الماکرین﴾

پاسخ: گزینهٔ «۲»

Scanned with CamScanner